دوشنبه‌نوشته‌ها

محمدتقی فهیم | منتقد سینما

تهیه‌کننده فاسد نمی‌سازد فیلم فاخر؟

شاید در بدو امر از کلمه «فاسد» در تیتر تعجب کنید چراکه در ادبیات سینمایی مألوف و متعارف نیست و غالبا در حوزه اجتماعی و ایضا اقتصادی کاربرد دارد. البته کلمه «فاخر» هم در ادبیات سینمایی بی‌مسماست اما از آنجا که در سال‌های پشت‌سر، زیاد این کلمه، خصوصا توسط مدیران دولتی و تحلیلگران نهاد سینما استفاده شده است، به‌هرحال به‌رغم روشن‌نبودن مؤلفه‌های این رویکرد، ولی جاافتاده است و تا حدودی معلوم است که مراد به‌کاربرندگان این کلمه چیست (چون از منظر نقد، فیلم یا «خوب» است یا «بد»). اما درباره کلمه «فاسد» همین ابتدا لازم است تصریح کنم در اینجا به وضعیتی اشاره دارد که فرد یا گروهی «از منابع عمومی برای منافع شخصی» و نیز از نفوذ و لابی‌های باندی، خانوادگی، سیاسی (حتی برای قدرت سیاسی) و ثروت‌اندوزی استفاده می‌کند.

از آنجا که تهیه‌کننده فیلم با تعریف استاندارد و فعال در سینمای صنعتی، نقش بی‌بدیلی در شکل‌گیری یک پروژه سینمایی دارد، فاسد بودن او به خروجی مفسده‌آمیزی منتهی می‌شود. حالا در سینمایی که بخشی از تهیه‌کنندگان آن در حد و سقف واسطه هستند (بدون ریالی آورده، بودجه‌ای از دستگاه‌ها می‌گیرند و هزینه می‌کنند) در صورت عدم تعهد اعتقادی، فقدان یا کمبود تخصص و بی‌دانشی یا ضعف معرفتی، سطح فساد مضاعف می‌شود. این دسته از واسطه‌ها یا حق‌العمل‌کاران (که بعضا کارگردان، تهیه‌کننده است) چنانچه ماموریت یا وابستگی سیاسی باندی داشته باشند که علاوه بر دستمزدهای چندبرابری خودشان سهم حامیان سیاسی‌شان را نیز باید بپردازند، طبیعی است که در چنین وضعیتی در برابر حق‌الناس (تماشاگر) قرار می‌گیرند.

کمی بحث را عینی‌تر کنیم، مثلا وقتی شاهدیم که تهیه‌کنندگانی بر مصدر امور پروژه‌هایی گمارده می‌شوند که همه‌جوره از سرشان زیادی است، آیا چیزی جز مفسده از آن بیرون می‌زند؟ این‌که بوی این فساد از بالا به پایین یا برعکس از پایین به بالا می‌رسد در سازوکار آن و نتیجه نهایی فرقی نمی‌کند. مسأله این است که دیگر از فیلم به‌زعم آقایان فاخر خبری نیست، حتی اگر همه تریبون‌ها را به‌کار بگیرند و صبح تا شب در آنها بدمند که ایهاالناس، ما فلان فیلم فاخر را تولید و عرضه کرده‌ایم، مخاطب نه‌تنها فخری نمی‌بیند بلکه از تماشای فیلم زجر می‌کشد.

موضوعی در این بین همواره محل مناقشه است و آن این‌که تخصص مهم است یا تعهد؟ این از آن بحث‌های مغلطه‌آمیز است که در بسیاری مواقع خود این مناظره و مشاجره محمل سوءاستفاده است. مگر ممکن است پای پدیده‌ای مانند سینما در بین باشد و کسی ادعا کند که تعهد ارجحیت دارد و فرد مدعی با سوار شدن روی موج تعهدگرایی، مبادرت به مدیریت مدیومی کند که تمام اجزایش نیازمند تخصص و دانش است. هنر، رسانه و صنعتی که به‌شدت از دالان تسلط بر تکنیک و اشراف بر گرایش‌های مختلف علوم‌انسانی عبور می‌کند، چطور می‌تواند در ید مدیریتی باشد که فاقد این ویژگی‌هاست؟ از سوی دیگر وقتی صحبت از هنر و رسانه در میان است، اساسا تعهد (حتی در گرایش ملی و وفاداری به وطن و مردم چه رسد به مذهبی و انقلابی) عاملی به‌شدت بازدارنده از افتادن به ورطه فساد است. در کشورهایی که در آن تحولات منجر به تغییر ماهوی ساختار سیاسی اداری صورت می‌گیرد (انقلاب) همواره خطر نفوذ ظاهرالصلاح‌ها، یعنی بی‌تخصص‌های کم‌تعهد یا متعهدان بی‌تخصص، در بین دستگاه‌ها و افراد برآمده از انقلاب و آرمان‌خواهان واقعی، به‌شدت جدی است. اشاره به نفوذ در اینجا، منظور از نوع و شیوه‌های امنیتی به‌منظور براندازی نیست، بلکه منشأگرفته از منافع شخصی و باندی است. چنانچه کمی به ۴۰ سال گذشته یا اطراف کنونی‌مان نور بتابانیم، واجدان چنین رویه‌هایی در بین تهیه‌کنندگان شناخته می‌شوند. این بحثی پردامنه است که به شرط حیات، بازهم به آن خواهم پرداخت.

خبر

شاخص‌های صعودی سینما

سینمای ایران پس از تحمل مدت‌ها رکود و انجماد، این روزها حال خوشایندی دارد؛ اتفاق‌های شگرفی در حوزه سالن‌سازی، تولید و اکران رقم خورده که شاخص‌ها را به نحو قابل‌توجهی صعودی کرده‌است. این وضعیت، نه‌تنها رضایت کنونی فعالان سینما و مردم را به همراه داشته بلکه آینده‌ای بسیار روشن را برای این صنعت ترسیم کرده‌است.

امروز که دو سال از عمر دولت سیزدهم و ریاست محمد خزاعی بر سازمان سینمایی می‌گذرد، می‌توان عنوان کرد که شاخص‌های سینمایی در وضعیت فعلی، قابل قیاس با زمان تحویل گرفتن کرسی این سازمان نبوده‌است.

زمانی که خزاعی، سازمان سینمایی را تحویل گرفت ۵۷۰سالن سینما، روی کاغذ، در کشور وجود داشت. بسیاری از این سالن‌ها، تعطیل یا در شرف تعطیلی بودند. در این بین، تنها پردیس‌های سینمایی حیات داشتند و مشغول فعالیت بودند. امروز اما در شرایطی به سر می‌بریم که علاوه بر تحولی جدی در فعالیت آن ۵۷۰ سالن، ۲۳۴ سالن دیگر نیز به ناوگان سینمایی کشور افزوده شده‌است.

در ابتدای این دولت، به ازای هر ۱۵۴هزار ایرانی، یک سالن سینمایی وجود داشت اما امروز، این آمار به ازای هر ۱۰۹هزار نفر یک سالن افزایش پیدا کرده‌است.

رویکردهای استراتژیک با سینمای انیمیشن

بچه‌زرنگ‌های ایرانی

عطیه عیار
گروه فرهنگ و هنر

«بچه زرنگ» را سال گذشته در دوران جشنواره فیلم فجر دیدم. به‌محض این‌که فهمیدم سینمای نزدیک خانه‌مان اکران کرده خانوادگی رفتیم برای تماشا. با این رویداد و تفریح مثل یک اتفاق خیلی بزرگ و مهم رفتار کردم. چرا؟ چون انیمیشن خوب وطنی خیلی کم است. چون بچه‌هایم از اول زندگی‌شان چشم و گوش و ذهن‌شان تربیت‌شده انیمیشن غیرایرانی به خصوص آمریکایی بوده است. این خارجی‌ها هر چقدر هم فیلتر شوند باز خارجی هستند و برای ما نیستند. پس هر انیمیشن ایرانی که فرهنگ ایرانی در آن نمایش داده شود، ارزشمند است و باید برای آن خوشحال بود.

روایت، مهم است

هر دیدنی در پس خود نظری دارد. این متن قرار است نقدی بر فیلم سینمایی بچه زرنگ باشد اما نقدی فنی نیست، چون من در حوزه ساخت انیمیشن تخصصی ندارم. درباره کارگردانی و حرکت دوربین و این دست اصطلاحات چیز زیادی نمی‌دانم. به قول سینمایی‌ها از آرت و گرافیک خوب یا بد آنچنان سردرنمی‌آورم. در این حوزه یک مخاطب عامی هستم که سلیقه دیداری‌ام با همان انیمیشن‌های خارجی تربیت شده است اما در حوزه داستان تا حدودی چیزهایی بلدم. می‌دانم که یک داستان خوب و قصه‌گو باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد. می‌دانم که مشکل بسیاری از انیمیشن‌های سال‌های اخیر در دنیا همین قصه‌گویی است که در پس ظاهر، آرت، گرافیک و خوشمزه‌بازی‌های تصویری پنهانش می‌کنند و احتمالا روی کودک و کم‌سن بودن مخاطب هم حساب کرده‌اند که کسی به افت کیفی قصه‌ها گیر ندهد و فروش‌شان را بکنند.

انیمیشن ایرانی؛ داستان یا گرافیک

این مشکل در انیمیشن‌های ایرانی هم متاسفانه دیده می‌شود. در همین چند انیمیشن اخیر، «پسر دلفینی» در اوج گیر و گرفت‌های قصه‌گویی بود اما انیمه قوی داشت. برای همین در بازار جهانی خودش را خوب نشان داد. اما بعید می‌دانم در حوزه داستان برای مخاطب غیرایرانی قابل درک بوده باشد. مطلب و مقاله‌ای ندیدم که درباره سقوط هواپیمای ایرانی به دست ناو آمریکایی که در این انیمیشن مطرح شده، حرفی زده باشد و از این جهت یکی از جنایات آمریکا را برای جهان نشان دهد. این موضوع در شلوغی‌های آخر داستان به حاشیه رفت. «لوپتو» انیمه‌اش عقب‌تر از زمانه بود اما در قصه‌گویی شرایط بهتری داشت. نقش خانواده، محبت و توجه مثبت، همکاری و البته نیروی ماورایی الهی را به اندازه در داستان گنجانده بوده؛ هر دو در بازار داخلی فروش خوبی داشتند و چند ماهی خانواده‌ها و مدارس جایی متفاوت برای گردش و تفریح کودکان داشتند. شاید برای اولین بار در تاریخ سینمای ایران بود که دو انیمیشن پشت هم اکران شدند.

تلاش برای ادامه مسیر

به فاصله کمی از اکران عمومی پسر دلفینی و لوپتو، بچه زرنگ در سینماهای منتخب جشنواره فجر به نمایش درآمد. در واقع در یک سال انیمیشن سوم هم به طور محدود تماشاچی داشت. بچه زرنگ در میانه دو انیمیشن قبلی خود است. در زمینه تصاویر و انیمیشن استاندارد است. با بسیاری از انیمیشن‌های روز قابلیت رقابت و در قصه هم استانداردهای خوبی دارد. اول و وسط و آخر داستان مشخص است. ماجراجویی و اوج و فرود دارد و می‌تواند مخاطب، به خصوص مخاطب کودک را به صندلی سینما بچسباند یا هیجان‌زده‌اش بکند. نکته‌های ریزی را هم برای بزرگ‌ترهای همراه کودکان گذاشته تا حوصله‌شان سر نرود و کنار بچه‌ها فیلم ببینند و با موبایل‌شان بازی نکنند.

عیبِ می‌جمله بگوییم

ایراد عمده و اصلی بچه‌زرنگ این است که چند نکته و حرف مهم را می‌خواهد یکجا و در یک قالب سینمایی یک‌ساعت‌ونیمه بزند. مثلا به محبوبیت ابرقهرمان‌های خارجی (طبیعتا آمریکایی) برای بچه‌ها انتقاد می‌کند. درعین‌حال می‌خواهد محیط‌زیست ایران را به بچه‌ها معرفی کند و از خطرها و بلاهایی که بر سرش آمده بگوید تا از این رهگذر توجه مخاطب را به اهمیت این موضوع جلب کند. در کنار اینها فرهنگ اسلامی را در تار و پود داستان و تصویر نشان دهد. تک‌تک این موارد نکات مثبت و قابل‌قبولی است؛ اما در ظرف کوچک یک فیلم سینمایی جا نمی‌شد. برای همین منجر به سنگینی و شلوغی به‌خصوص در اواخر داستان منجر شده است. این سنگینی در کنار سرعت بالای اتفاقات در نیم‌ساعت آخر فیلم، برای مخاطب کودک ممکن است قابل درک نباشد و نتواند همزمان همه اینها را تحلیل کند.

زیادی ماجراها و اتفاقات باعث‌شده شخصیت‌پردازی آن‌طور که باید انجام نشود. چون فضای کافی برای پرداختن به همه اینها نبود. شخصیت‌های فرعی هم از کلیشه خارج نمی‌شوند. شخصیت‌های اصلی هم جای کار بیشتری داشتند. مثلا پدر و مادر محسن چندان کنشگر نیستند. نوعی آزادی به محسن داده‌اند که باعث شده دست به کارهای خطرناک بزند و با این شیطنت‌های او هیچ‌گونه برخورد مناسبی هم نمی‌شود. این بازیگوشی و خطرسازی ویژگی بارز شخصیت محسن است. به‌خاطر حس ماجراجویی‌ای که دارد مدام باعث خرابکاری و دردسر می‌شود.

به عبارت دیگر، قهرمان و شخصیت اول این فیلم کودک، بدآموزی دارد. او همه‌جور دردسری درست می‌کند، دروغ می‌گوید، پنهان‌کاری می‌کند و همه این کارها را هم برای هدفی مهم و والاکه نجات ببر مازندران است انجام می‌دهد. انگار اگر هدف‌مان خوب باشد، خطا در مسیر ایرادی ندارد. این بچه بازیگوش و غیرقابل‌اعتماد، اواسط داستان تبدیل به یک پسر خلاق و مخترع می‌شود. ناگهان هوش و مهارتی از او سر می‌زند که تا پیش از این سراغ نداشتیم و همین شخصیتش را دچار دوگانگی می‌کند.

همه کودکان و نوجوانانی که انیمیشن بچه زرنگ را دیده‌اند از آن صحنه خوابیدن ببر مازندران روی نقشه ایران لذت بردند

قهرمان‌سازی، خوب یا بد

نکته دیگر، رویکرد منفی فیلم به مسأله ابرقهرمانی است. هر فردی به‌خصوص کودکان و نوجوانان در دوره‌های مختلف زندگی به یک قهرمان نیاز دارند. برای همین است که در فرهنگ‌ها و کشورهای مختلف شخص یا اشخاصی اعم از خواننده‌ها و بازیگرها یا کاراکترهای فیلم‌ها و انیمیشن‌ها تبدیل به الگوی مخاطب می‌شوند. این اصلی روان‌شناختی و غیرقابل اجتناب است. نمی‌شود نیاز به قهرمان را در کودک انکار کرد، اما می‌توان آن را به سمت مطلوب سوق داد. قهرمان‌سازی نیاز به برنامه دارد و یکی از بهترین راه‌هایش همین انیمیشن و فیلم و کمیک است. هدف بچه‌زرنگ این بوده که بگوید به‌جای تقلید از ابرقهرمان‌های خیالی و برساخته خارجی‌ها، به فرهنگ خودی نگاه کنید که به اندازه کافی قهرمان در حوزه‌های مختلف داریم، اما در این فرصت کوتاه و در خلال یک سینمایی نمی‌تواند جایگزینی برای مقوله ابرقهرمانی ارائه دهد یا حداقل راهکاری پیش پای بچه‌ها بگذارد تا ابرقهرمان مناسب خود را پیدا کنند.

هنرش نیز بگوییم

از ابتدای نوشتن این متن، قصد ایرادگیری نداشتم. این نقدها مثل سنباده‌ای است که به سطح زبر می‌کشند تا صاف و صیقلی و بی‌ایراد شود و قرار است باعث پیشرفت کارهای بعدی شوند. در هر حال دیکته‌نانوشته غلط ندارد.

آنچه همچنان بالاترین اهمیت را دارد، ایرانی بودن همه ارکان این انیمیشن است. به نقل از یکی از اساتید، کودکان ما الان اگر در خیابان‌های پاریس و نیویورک و چین بروند می‌توانند چشم بسته مسیرشان را پیدا کنند. از بس که در انیمیشن‌های خارجی خیابان‌ها و مکان‌های معروف‌شان را در پس زمینه داستان، نمایش می‌دهند. کودک ایرانی مخاطب بچه زرنگ در صحنه‌های شهری، خانه‌ها و خیابان‌های ایرانی را می‌بیند. افراد خانواده را با لباس و فرهنگ رفتاری آشنا تماشا می‌کند. با زیبایی‌های طبیعت ایران، با ویژگی‌هایش و خطراتی که محیط زیست را تهدید می‌کند آشنا می‌شود. چه خوب است که بچه ایرانی بداند جایی در این سرزمین هست به نام جنگل ابر با آن زیبایی انحصاری‌اش. یا بداند در دل این جنگل‌ها گونه‌های جانوری متنوعی زندگی می‌کنند. همه کسانی که این انیمیشن را دیده‌اند از آن صحنه خوابیدن ببر مازندران روی نقشه ایران لذت بردند. به ما همیشه گفته‌اند ایران شکل گربه است. اما برای کودکانی که به تماشای این فیلم نشسته‌اند از این به بعد اسم ایران با قدرت و وجنات یک ببر تداعی می‌شود تا کوچکی یک گربه.

و در نهایت گره زدن ایرانی‌بودن ما با مسلمان بودن‌مان به خوبی صورت گرفته است. اصولا ارجاع به معنویت یا چیزی فراانسانی و فرامادی در بسیاری از انیمیشن‌های خارجی امری رایج است. این ارجاع فراانسانی‌گاه یک باور قدیمی و افسانه‌ای در سرزمین قهرمان داستان است، گاه جادو و نیروهای جادویی و زمانی هم والدی است که چند وقت پیش فوت کرده و حال فرزندش با اتکا به دعای خیر او از جهان نامیرا، پا در جاده ماجرا می‌گذارد. این عنصر معنوی در بچه زرنگ هم آمده است. اما چیزی فراتر از پدر و مادر یا افسانه‌های خیالی است. عنصر معنوی او اول از همه خداوند و بعد امام معصوم است؛ امامی که همه بچه‌های ایرانی او را می‌شناسند و شاید خاطرات خوبی هم از حرمش داشته باشند. امام و مرجعی معنوی که حتی پدر و مادر هم در زمان استیصال به او روی می‌آورند.

این جنبه معنوی داستان آن هم از نوع معنویت دینی بسیار اهمیت دارد. نحوه بیان آن هم در متن داستان بوده و گل درشت و آزاردهنده نیست.

برش

شناساندن ایران به کودک ایرانی

در کشوری که هنوز بسیاری از افسانه‌ها و حکایاتش بکر و دست‌نخورده مانده‌اند، در پس‌زمینه فرهنگی خود اسطوره‌ها و شخصیت‌های بزرگی دارد داستان‌پردازی برای انیمیشن کار چندان سختی نیست.

حالا که مهارت فنی و تخصصی آن فراهم شده و رویدادها و نهادهای مختلف هم حمایت‌های خوبی را شروع کرده‌اند، کافی است نویسنده‌ها و کارگردان‌ها آن حکایات و داستان‌های بکر را برای سینما بازنویسی کنند.

این طوری هزاران فیلم سینمایی داریم که در کنار هم قهرمان‌سازی می‌کنند و اعتماد به نفس کودک ایرانی را بالا می‌برند.

قاب

«خورشید آن ماه» روی پرده

سی‌امین جلسه شورای صنفی نمایش دیروز در سازمان سینمایی برگزار شد. بعد از بررسی درخواست‌ها و موارد مطرح شده، قرارداد سرگروهی فیلم سینمایی «خورشید آن ماه» به کارگردانی ستاره اسکندری و تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی با پخش فیلمیران به سرگروهی پردیس کوروش ثبت شد. این فیلم، داستانی از عشق ناکام و سکوت بی‌فرجام را در دل زیبایی‌های بلوچستان روایت می‌کند و تصویری واقعی و متفاوت از این قوم محجوب ارائه می‌دهد و چندی پیش جایزه بهترین کارگردانی و بهترین فیلم را در جشنواره فیلم مستقل ایماگو در ایتالیا دریافت کرد. اکران این فیلم از چهارشنبه ۲۲ آذر در سینماهای سراسر کشور آغاز خواهد شد.

اکران

«لاک‌پشت» برای فجر آماده می‌شود

فیلم سینمایی «لاک‌پشت» به کارگردانی بهمن کامیار با طی مراحل فنی، یکی از گزینه‌های نمایش در جشنواره فیلم فجر است. این فیلم به‌عنوان سومین اثر بلند سینمایی بهمن کامیار در مقام کارگردان پس از فیلم‌های «مرداد» و «در وجه حامل»، درامی روان‌شناسانه با فضایی متفاوت محسوب می‌شود.

در این فیلم که مراحل فنی خود را طی می‌کند صابر ابر، فرهاد اصلانی، نازنین بیاتی و نازنین کریمی بازی کرده‌اند.

عوامل اصلی «لاک‌پشت» عبارتند از: تهیه‌کننده، نویسنده و کارگردان: بهمن کامیار، جانشین تهیه‌کننده: سجاد رحیمی، مجری طرح: موسسه فرهنگی هنری دی، مدیرفیلمبرداری: وحید ابراهیمی، موسیقی: حامد ثابت، تدوین: پویان شعله‌ور، طراحی و ترکیب صدا: حسین ابوالصدق، مدیر صدابرداری: امیر نوبخت، طراح گریم: محسن دارسنج، طراح صحنه: سعید مربی، طراح لباس: آرام موسوی، مدیر برنامه‌ریزی: آوا بالاور، منشی صحنه: لادن رحمتی، دستیار اول فیلمبردار: فرهاد رستمی، دستیاران کارگردان: بهرنگ حجازی، میلاد گروسی، مدیر تدارکات: محمد ابراهیمی، مشاور پروژه: حسین متحد و عکاس: حسین حاجی بابایی.

تولید

۱۲ هزار مخاطب در اکران مردمی «سرهنگ ثریا»

فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» تاکنون نزدیک به ۸۰۰ درخواست اکران مردمی داشته و مهمان نگاه ۱۲هزار و ۴۷۸ مخاطب شده‌است. سرهنگ ثریا در اکران‌های مردمی عمار، روز گذشته فروش ۳۰۲ میلیون تومانی را تجربه کرد.

دانشگاه‌ها، مساجد، پایگاه‌های بسیج و مدارس از جمله میزبانان این اکران‌ها بوده‌اند. فیلم سینمایی سرهنگ ثریا براساس داستانی واقعی ساخته شده و از زاویه‌ای متفاوت با دیگر فیلم‌های ساخته شده در این موضوع، به قصه منافقین و مسخ‌شدگی آنها می‌پردازد.

این فیلم به کارگردانی لیلی عاج و با هنرمندی ژاله صامتی، وحید آقاپور، حمیدرضا محمدی و... تهیه شده در سازمان سینمایی اوج است.

برای دریافت اطلاعات بیشتر یا ثبت درخواست اکران مردمی فیلم سرهنگ ثریا در مناطق فاقد سینما یا مساجد، مدارس، ادارات، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و... می‌توانید به نشانی اینترنتی ekranmardomi.ir/movie/sarhang-sorayya مراجعه کنید یا با شماره ۰۲۱۴۲۷۹۵۰۵۰ تماس بگیرید.